



تعاملی تلویویون را با پخش زنده فوتبال و مسابقات ورزشی می‌شناختند از عید امسال و در برنامه نوروز فوتبالی تعامل گسترده با این سامانه را آغاز کرده و رای خود را از طریق تلویزیون تعاملی تلویویون به بازیکنان و مربیان و تیم‌های مورد علاقه خود دادند.

از کارشناسان ورزش و هواداران فوتبال، برترین‌های فوتبال ایران را مشخص کند. در این رای‌گیری که با مشارکت بالای مخاطبان رسانه ملی و فوتبالی‌دوستان انجام شد، تیم منتخب سال ۹۹ از نگاه کارشناسان و مردم انتخاب شد. همچنین برای اولین بار، ده‌ها هزار نفر از مخاطبان شبکه ورزش که پیش از این تلویزیون

## استقبال چشمگیر مردم از «نوروز فوتبالی»

بیش از ۲میلیون رأی مردمی برای انتخاب بهترین‌های سال فوتبال ایران به برنامه «نوروز فوتبالی» شبکه ورزش ارسال شد. به گزارش روابط‌عمومی رسانه ملی، برنامه نوروز فوتبالی، که در ایام نوروز به انتخاب برترین‌های فوتبال ایران پرداخت، توانست با استفاده از دو بستر سامانه پیامکی و سایت تلویویون و با نظرسنجی

## طبیعت به ما یاد می‌دهد

من قبل از آن که وارد ساخت ایرانگرد شوم به مدت سه سال با آقای ایوانلو همکاری می‌کردم و در طول این سال‌ها سعی کرده‌ام نگاهم به اقلیم، طبیعت (آبشار، بیابان و...) متفاوت باشد. اگر نگاهی به مناطق سردسیر و گرمسیر ایران داشته باشید، متوجه می‌شوید که طبیعت منجر به ساخت فرهنگ، لهجه، دیدگاه و... می‌شود. کافی است نگاه کنید به فرهنگ‌های مختلف در اقصی نقاط ایران، فرهنگ یک فرد بختیاری زاگرس با فرهنگ بلوچ در حاشیه دریای عمان خیلی تفاوت دارد. این فرهنگ از کجا آمده است، مسلماً طبیعت این فرهنگ را به آدم‌ها یاد داده است. به عنوان مثال کسی که در حاشیه یک منطقه بیابانی زندگی می‌کند صبور است به این خاطر است که بیابان به او یاد داده که صبور باشد. اگر فردی که در زاگرس زندگی می‌کند دلاور و شجاع است به این دلیل است که طبیعت خشن زاگرس به او این مساله را آموزش داده است. اینها لازم و ملزوم هم هستند. ما خیلی فرهنگ ارزشمندی داریم یا اقوام‌مان متعدد هستند و بسیار قابل احترام. به همین دلیل می‌خواستم به همه این موارد در ایرانگرد بپردازم و با صراحت بگویم که همه اینها مال این آب و خاک است. این در حالی است که خیلی فرهنگ و طبیعت‌مان دیده نشده است و سعی کردم وقت بگذارم، مطالعه کنم و به شکل صحیح و هدفمند به مردم، طبیعت، فرهنگ، اقوام، تاریخ، زبان، پوشاک و... بپردازم تا با تماشای این موارد مسوولان هم بها بدهند. علاوه بر آن اعتقاد دارم که ما ایرانی‌ها خیلی با اعتماد به نفس نیستیم. وقتی یک خارجی به ایران می‌آید با خودمان می‌گوییم از کجا آمده؟ در حالی که ما فرهنگ غنی‌ای داریم. اگر نگاهی به آمریکا داشته باشید، متوجه می‌شوید که نخبگان اروپایی و آسیایی به آمریکا رفتند و آنجا را آمریکا کردند. این در حالی است که ما آدم‌های خوبی داریم و بدون آن که جایی را استعمار کنیم، همه را از دست داده ایم. ما در فرهنگ، تاریخ و علم خیلی پیشرفت داشتیم، ولی الان به خاطر کمبود اعتماد به نفس مان، کم شده است. به خودمان باور نداریم. وقتی می‌بینیم یک بلوچ، کرد یا آذری با لباس محلی به شهر می‌آید، طوری نگاهش می‌کنیم که او با خودش فکر می‌کند که حتما کمبودی دارد. در حالی که اینها تاریخ و فرهنگ ما هستند و عقبه همه ما شهری‌ها هم به آدم‌هایی برمی‌گردد که در کوه و بیابان زندگی می‌کردند. بهتر است ارزش نیاکان را بدانیم و خودمان هم برای بقایش تلاش کنیم.



## فرآیند پژوهش ایرانگرد چطور است؟

تیم پژوهش ما از فضای مجازی، محیط زیست، کوهنوردان، تولیدرها، میراث فرهنگی و روستاییان اطلاعات کسب می‌کنند و با غربال این اطلاعات به نتایج دلخواه می‌رسیم. مثلاً گاهی ۱۰۰ لوکیشن در یک استان پیدا می‌کنیم که در نهایت بعد از تحقیق و پژوهش‌های فراوان و بازدید میدانی از آنها، ۱۰ یا ۱۵ نقطه برتر و جذاب‌تر و پکرتر انتخاب می‌شود و سراغ‌شان می‌رویم.

## ایرانگرد را برای معرفی اماکن گردشگری نساختم

مردم به واسطه تماشای مستند ایرانگرد با خیلی از اماکن گردشگری آشنا شده‌اند، مثل شهداد کرمان، سیستان و بلوچستان و... در گذشته از خلیج گواتر تا زرتیاد که ۵۰۰ کیلومتر بود، حتی یک اقامتگاه بومگردی وجود نداشت، حتی مردم معنی اقامتگاه بومگردی را نمی‌دانستند و فقط یک هتل در چابهار بود و کسانی که برای خرید به چابهار می‌رفتند آنجا اقامت داشتند. در این پنج سال اخیر که ایرانگرد ساخته و این منطقه معرفی شد بیش از ۵۰ اقامتگاه بومگردی و پنج هتل ساخته شده و این نشان می‌دهد که ایرانگرد خیلی تاثیر گذاشته است. البته باید به این موضوع تاکید کنم که من ایرانگرد را نساختم ام که اماکن گردشگری ایران را معرفی کنم، به همین دلیل شما می‌بینید که برخی جاها را نام نمی‌برم و گرابی نمی‌دهم که گردشگر به آن منطقه مراجعه کرده و آن مکان را تخریب کند. زرتیاد جزو پنج نقطه در کره زمین است که بعد از رمل و ریگ می‌توان به دریا رسید. البته زرتیاد خاص‌تر است، زیرا قوم بلوچ را با فرهنگ و سنت‌اش در آن منطقه داریم. همچنین نخل‌ها خودنمایی می‌کند. در آن زمان که ما برای ساخت ایرانگرد به این منطقه رفته بودیم بخشدار وقت می‌خواست آلاچیق برای مردم بسازد و اسکله کاری هم پایه‌گذاری کنند، اما برای او توضیح دادم که نباید این محیط به واسطه ساخت این موارد تخریب شود، زیرا آقروند ماشین و موتور روی این رمل‌ها به محیط آسیب می‌زند. آقای بخشدار هم با توضیحات من قانع شد، اما بعد از مدتی متوجه شدم که توسط مردم این منطقه خراب شده است، اما به تازگی شنیده‌ام که سختگیری می‌شود و مسوولان مراقبت می‌کنند. برایتان مثال دیگری می‌زنم وقتی من دره شیرز را نشان دادم برخی به من گفتند که چرا این منطقه بکر را نشان دادم و من هم در پاسخ گفتم بهتر است قسمت دوم را تماشاکندند که من به این مساله اشاره کرده بودم که این منطقه بکر به واسطه مردم محلی و برخی گردشگران به مکانی پر از زباله تبدیل شده و من دره شیرز را معرفی کردم که جلو تخریب گرفته شود. گاهی در صفحات مجازی که دنبال‌کنندگان بسیار زیادی هم دارند شاهد هستیم فقط اماکن زیبای گردشگری ایران معرفی می‌شود اما آموزش داده نمی‌شود که چطور مراقب این منطقه باشیم و آن را تخریب نکنیم. البته من موافق صنعت گردشگری هستم به شرط پایداری. حفاظت از دارایی‌هایمان وظیفه‌مان است، اما در صفحات مجازی این اتفاق رعایت نمی‌شود.

## ۱۲ نفر پشت صحنه ایرانگرد هستند

ما هر سفری می‌رویم هم راهنمای محلی داریم و هم عوامل تولید همراه‌مان هستند اما شما هیچ‌کدام را نمی‌بینید و همین به‌نظرم نقطه‌قوت کار است، چون مخاطب خودش را با مخاطب تنها می‌بیند. یعنی ما من که جلوی دوربین هستیم نوعی هم‌ذات‌پنداری پیدا می‌کند و حضور عوامل دیگر باعث نمی‌شود حواس فرد از طبیعت و محیط زیبایی که می‌بیند پرت شود. پشت صحنه ما بین هفت تا ۱۲ نفر حضور دارند که بنا بر سختی مسیری که می‌رویم این تعداد تغییر می‌کند. مثلاً در مناطق صعب‌العبور تعداد نفرات را کمتر می‌کنیم تا بتوانیم آسان‌تر کار کنیم. امسال پشت صحنه را خوب ضبط کردیم و قرار است یک قسمت کامل از این پشت صحنه و زحماتی که عوامل می‌کشند پخش شود تا مردم ببینند تیم ایرانگرد چقدر زحمت می‌کشد.

## آیا تفکیک میان زندگی شخصی و کاری وجود دارد؟

همیشه سعی کرده‌ام وقتی خالی کنم و کنار خانواده حضور داشته باشم. هر زمان فرصت داشته باشم، حتماً با پسرم بازی می‌کنم و حرف می‌زنم. اما در مجموع ۱۳-۱۲ ساعت در هفته خانه هستم، ولی همه این مشکلات را مدیریت می‌کنم تا مشکلی فراهم نشود. البته باید بر این موضوع تاکید کنم که همسرم برای ساخت پژوهش‌های ایرانگرد در گروه تحقیق حضور دارد. ضمن این‌که او شاغل هم هست، به همین دلیل خیلی فرصت نمی‌کند همراه من در سفرهای کاریم باشد. علاوه‌برآن پسرم مدرسه می‌رود و باید مراقب درس خواندن او هم باشیم.



## برخی تلویزیون ندارند!

تا به امروز سراغ لوکیشن‌های مختلف بکر و ناب رفته‌ام، اما هیچ‌وقت پیش نیامده مردم محلی اعتراضی داشته باشند. برخی از آنها ایرانگرد را دیده‌اند و بعضی دیگر اصلاً تلویزیون نداشتند و چهره ما برای آنها ناشناخت. اما خیلی از جاها را می‌شناسم که مردم محلی از گردشگر خسته شدند، زیرا اشیاع شده‌اند، چون آن منطقه ظرفیت گردشگری‌اش به آن اندازه نبود. به‌عنوان مثال ایبانه جزو این مناطق است که مردم آن از گردشگر اشیاع و خسته شده‌اند. در مجموع وقتی گردشگر به منطقه‌ای می‌رود باید مراقب باشد محیط زیست لوکیشن مربوط را تخریب نکند و برای فرهنگ و اندیشه مردم بومی آن منطقه احترام و ارزش قائل شود.

## از ۱۶ سالگی در بازار کار می‌کردم



پدرم کارمند ساده و مادرم خانه دار است. پدرم بسیار مرد زحمتکشی است و من همیشه روی پای خودم ایستادم و کار کردم. از ۱۶ سالگی کارم را در بازار شروع کردم و بعد درس خواندم و به دانشگاه رفتم. در دانشگاه رشته مدیریت جهانگردی خواندم و در انجمن فیلمسازان جوان هم فیلمسازی خواندم و بعد با آقای ایوانلو کارم را شروع کردم. از همان ابتدا هم به عکاسی و سفر علاقه مند بودم و از ۱۷ سالگی سفرهایم را با کوه توجال شروع کردم و بعد کل ایران را گشتم و مستندسازی را شروع کردم. البته برای ساخت ایرانگرد یک، واحد آپارتمان کوچکی داشتم که آن را فروختم.

خیلی ریسک کردم اما به کار خودم ایمان داشتم. وقتی دو قسمت ایرانگرد را ساختم به شبکه‌ها مراجعه می‌کردم، اما کسی نمی‌خرید. حتی آفیشم نمی‌کردند. تا این‌که به جایی رسیدهبودم که می‌خواستم به هر مبلغی که شده بخردم، زیرا موجودی‌ام صفر شده بود و هیچ چیز نداشتم. تا این‌که آخرین شانسم را در شبکه چهار امتحان کردم و آقای رمضان نژاد کارم را دید و پسندید و گفت ۱۳قسمت برایشان بسازم. بعد از پخش از شبکه چهار، آقای فراغی رئیس وقت صدا و سیما دستور دادند ایرانگرد در شبکه یک تولید شود، زیرا در آن مقطع زمانی شبکه چهار را همه مراکز نداشتند و بعدها به عنوان برند شبکه یک شد.

## ماجرای ترویج دو همسری!

به یاد دارم در یکی از قسمت‌های ایرانگرد خیلی کوتاه با فردی به نام آقا رضا قشقایی صحبت کردم که در عشایر زندگی می‌کرد. آقا رضا خیلی کوتاه از زندگی شخصی‌اش گفت و تعریف کرد که همسرش را خیلی دوست داشت، اما بعد از چند سال از ازدواج بچه‌دار نشدند و به پیشنهاد همسر اولش، همسر دیگری گرفت تا صاحب بچه شود. او از همسر دوم پنج فرزند داشت و جالب بود که بچه‌ها همسر اول آقا رضا را که با آنها زندگی می‌کرد هم بسیار دوست داشتند. بعد از پخش این بخش، برخی پیامک دادند که ترویج چند همسری می‌کنم! در حالی که ما به هیچ وجه این کار را در ایرانگرد انجام ندادیم. شخصاً درباره زندگی هیچ‌کس قضاوت نمی‌کنم، چون قضاوت کردن کار من نیست. به نظرم ما خیلی حرف می‌زنیم. در حالی که قبلاً بیشتر عمل می‌کردیم. به همین دلیل از قضاوت کردن خوشم نمی‌آید و می‌گویم من جای کسی نیستم، پس نباید از درباره حریم خصوصی‌اش بپرسم که چرا ازدواج نکرده، چرا دو همسر دارد و....

## به مردم خیانت نمی‌کنم

تا به امروز از چند شبکه ماهواره‌ای پیشنهاد کار داشتم اما نپذیرفتم؛ چون دلم نمی‌خواست به آب و خاک و مردم خیانت کنم. دلم می‌خواهد از حمایت‌های خانواده ام، زحمات عوامل پشت صحنه که زحمت کشیدند و مسوولان صدا و سیما که این فرصت را به من دادند، تشکر کنم. از عوامل پشت‌صحنه باید به مدیر تصویربرداری سجاد دادپور، مدیر تصویر هوایی علی آزاده و اعضای گروه تصویر و صدا قدردانی کنم. همچنین در بخش کارگردانی به غیر از خودم، حامد جم و آقای پارسا هم حضور داشتند. دلم می‌خواهد به نکته دیگری هم اشاره کنم که اگر بخواهم شخصا با کسی مصاحبه کنم دوست دارم با مهندس محمد درویش مصاحبه کنم که یکی از صاحب‌نظران در حوزه محیط زیست هستند.



## خجالت می‌کشم نریشن ایرانگرد ۱ و ۲ را می‌بینم

بگذارید برایتان چیزی بگویم که هیچ جا نگفتم. من ایرانگرد یک و دو را نگاه نمی‌کنم، چون رویم نمی‌شود. به یاد دارم وقتی ایرانگرد یک و دو را ساختم خجالت می‌کشیدم در استودیو نریشن بگویم و به همین دلیل خودم وقتی نگاه می‌کنم متوجه می‌شوم خیلی با رودریاستی روایت کردم و برای همین نمی‌توانم نگاه کنم. زمانی که اولین بار وارد استودیو شدم تا نریشن را بگویم، حتی با این‌که یک نفر در استودیو بود اما خجالت می‌کشیدم. ضمن این‌که از ابتدا قرار نبود خودم جلوی دوربین بروم، البته ایده آن را داشتم.اما می‌خواستم فرد دیگری باشد، اما نه پول آن را داشتم که کسی را بیاورم و نه این‌که کسی را می‌شناختم که بتواند کلی سختی تحمل کند و راهی کوه، بیابان، طبیعت و... شود. اما خودم دوره طبیعت گردی را گذرانده بودم و اطلاعات خوبی در حوزه طبیعت، فرهنگ و... داشتم و مرتب مطالعه می‌کردم به همین دلیل در نهایت خودم جلوی دوربین رفتم اما به مرور خجالتم ریخت و الان راحت تر اجرا می‌کنم. الان با حال خوب روایت می‌کنم.

## خیلی‌ها خواستند از ایرانگرد کپی کنند

بعد از روی آنتن رفتن ایرانگرد ۲ در حدود ۱۰ تا ۱۵هفته‌یکنده خواستند شبیه ایرانگرد را بسازند، اما متأسفم که بگویم موفق نشدند و ناراحتم از این‌که آنها نتوانستند به موفقیت برسند. متأسفانه گاهی حسادت در میان ما آدم‌ها باعث می‌شود نخواهیم اطرافیان موفق شوند، اما من اعتقاد دارم وقتی همه آگاه باشند و خوشحال، من هم بیشتر خوشحال خواهم شد و بیشتر می‌خندم، زیرا همه به هم متصل هستیم. خیلی‌ها دوست داشتند مثل ایرانگرد را بسازند و تقلید و کپی کردند، حتی برخی دقیقاً عین جملات من را برداشتند و در مستندشان استفاده کردند، اما موفق نشدند. این در حالی است که ما در حوزه گردشگری می‌توانیم مستندهای بسیار خوب و درخشانی بسازیم به شرط این‌که خلاقیت داشته باشیم. مگر رودخانه‌های خروشان کم داریم یا گردشگری ورزشی و... اگر دقت کنیم موضوع برای کار زیاد است، اما باید با ایده جلو برویم. نه این‌که بخواهم یک شبیه ره صد ساله را برویم، اگر به فکر نباشیم که حرکت کنیم ته اش مانداب می‌شویم، ولی حرکت ما را به زندگی امیدوار می‌کند. اگر می‌خواهیم پیشرفت کنیم، باید مثل رودخانه باشیم. هم ببخشیم به دریا و هم در حال حرکت باشیم. متأسفانه در حوزه مستندسازی گردشگری ضعف داریم.



## ته پرتگاه، اول صعود است

خانواده‌ام همیشه همراه من بودند و حاضر شدند مستاجری برونند تا من ایرانگرد را بسازم. همسرم خیلی به من اطمینان داشت و می‌دانست موفق می‌شوم. ضمن این‌که من هر زمان که مشکلی داشتم و خودم را ته پرتگاه دیدم، ناامید نشدم؛ زیرا می‌دانستم بخشی از صعود است. مثل بازی مار و پله. به هر حال شکست بخشی از زندگی است و تا وقتی زنده هستیم شکست معنا ندارد و باید مبارزه کنیم. من این را از گل و گیاه یاد گرفتم که وقتی در جنگل له می‌شوند و امیدوی نیست که دوباره کنار درختان بلند رشد کنند اما این اتفاق بعد از مدتی می‌افتد. به همین دلیل می‌گویم با امید و صبوری می‌شود به نتایج دلخواه رسید.